فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی-فرهنگی، دوره‌ی یازدهم، شماره‌ی ۲، پاییز ۱۴۰۱، صفحات۱۱۸-۹۱

مقاله پژوهشی

مطالعهٔ پدیدهٔ تأخیر سن ازدواج در بین جوانان استان ایلام

منوچهر رشادی[۱]؛ اسحاق قیصریان[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۷

چکیده

تأخیر در سن ازدواج یکی از پدیده‌هایی است که به دنبال مدرنیته اتفاق افتاده است. بسیاری از جوانان به دلایل گوناگونی با تأخیر در سن ازدواج روبه‌رو هستند. هدف اصلی پژوهش حاضر، کشف معنا و دلایل بالارفتن سن ازدواج و تأخیر در آن در میان جوانان استان ایلام است. در بخش روش تحقیق، از روش کیفی و راهبرد نظریهٔ زمینه‌ای استفاده شده است. تعداد ۲۴ جوان، به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. در کدگذاری اولیه، ۱۱۵ مفهوم بدست آمد که با انجام غربال‌گری، کدهایی که تکراری بودند، حذف شدند. در نهایت ۸۰ کد و مفهوم اولیه حاصل شد و در ادامه نیز در ۲۲ مقوله طبقه‌بندی شدند. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت اقتصادی، به‌دنبال ایده‌آل‌بودن، ادامه تحصیل، عدم تمایل به ازدواج، ملاک‌های انتخاب و آسیب‌های فردی (شرایط علی)، آداب و رسوم، کمک‌کار خانواده بودن، سخت‌گیری خانواده، شیوهٔ ارتباط با دیگران و عدم آمادگی و عدم اعتماد به دیگران (شرایط مداخله‌گر)، محیط زندگی، نبود نهاد همسرگزینی، ساختار خانواده و ترس از تجربهٔ دیگران (شرایط زمینه‌ای)، فعالیت‌های سرگرم‌کننده، لذت بردن از زندگی و ارتباط گیری با جنس مخالف (راهبردها)، ویژگی‌های روحی و روانی نامناسب، بی‌برنامه‌بودن و مسأله نبودن تأخیر در سن ازدواج (پیامدها) است. غیرارادی بودن تأخیر در سن ازدواج، هستهٔ اصلی مطالعه حاضر است.

واژه‌های کلیدی: تأخیر در سن ازدواج؛ جوانان؛ نظریهٔ زمینه‌ای؛ ایلام.

[۱]. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی همدان، همدان، ایران (نویسنده مسئول). M.reshadi@basu.ac.ir

[۲]. دانش‌آموخته دکترای تخصصی جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، ایلام، ایران.
ghaysaryane@gmail.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

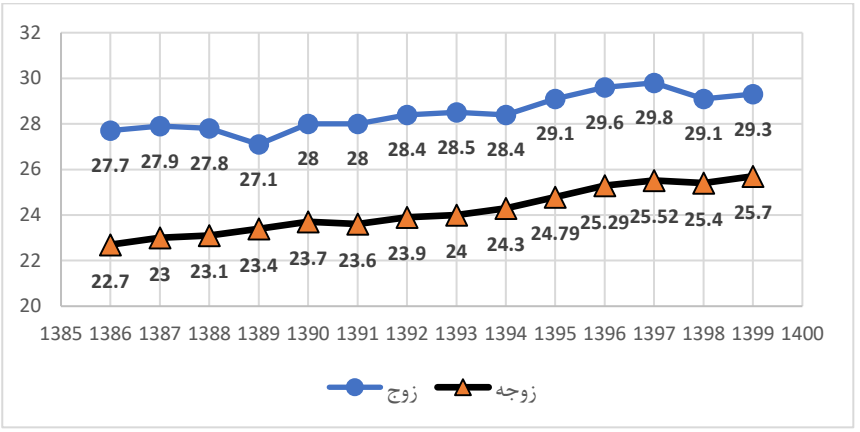
مقدمه و بیان مسأله

با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی-اجتماعی به دلیل ورود مدرنیته و تفکرات مدرنیسم در جامعهٔ ایران، به تدریج تأثیرات آن بر پدیده‌های اجتماعی نمایان گردید؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد تمامی نهادها و پدیده‌های اجتماعی از این تغییر و تحولات تأثیر پذیرفته‌اند (فعله‌گری، ۱۳۹۷: ۱۲۷)، الگوی سنتی خانواده، به تدریج روبه تغییر گذاشت و تغییر شکل، ساختار و میزان پایداری آن از مشهودترین مصادیق مدرنیته و دگرگونی‌های یاد شده است (خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۵: ۳٤). ایران، همانند سایر کشورهای درحال توسعه، در پی تأثیرپذیری ساختارهای اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه از فرایند مدرنیته و جهانی شدن و به دنبال تغییرات در حوزهٔ شهرنشینی، گسترش خانوادهٔ هسته‌ای، دسترسی بیشتر به آموزش و رسانه‌های گروهی، ورود زنان به بازار کار و ارتقای حقوق زنان، با تغییر در قوانین، الگوها و سلسله مراتب ارزش‌های ازدواج، افزایش میزان طلاق، کاهش میزان موالید و افزایش سن ازدواج و مانند آن مواجه شده است (دلخموش، ۱۳۹۲). بنابراین در فرایند استقرار مدرنیته و گذر از جامعهٔ سنتی، بسیاری از عناصر مهم و سنتی ساختار فرهنگی جامعهٔ ما نیز در حال درهم شکسته شدن هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۸٦: ۹۷).

تأخیر در سن ازدواج یکی از پدیده‌هایی است که به دنبال مدرنیته اتفاق افتاده است. در طول چند دههٔ گذشته، سن ازدواج در جهان برای مردان و زنان افزایش یافته است. کاهش تعداد ازدواج‌ها در سطح جهان، به‌ویژه در میان مناطق توسعه‌یافتهٔ اقتصادی، مانند اروپا و ایالات متحده برای دهه‌ها مشخص شده است (ماهاراج، ۲۰۲۰). تحلیل‌های اجتماعی در خصوص تحولات مذکور نشانگر آن است که عوامل کلانی مانند شهرنشینی، اشتغال و ... موجب تحولات نگرشی در جامعه شده است که همین امر تحولات گسترده‌ای در الگوی ازدواج و افزایش سن ازدواج ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، به منظور بررسی دلایل تأخیر در سن ازدواج ضمن توجه به تغییرات ساختاری، به تغییرات نگرشی در بین افراد جامعه و بالاخص جوانان باید توجه کرد. تأخیر در ازدواج، پدیده‌ای اجتماعی است که از طریق عوامل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روانی به وجود آمده است که بر نظام خانواده تأثیرگذار است. وقوع این پدیده موجب نگرانی در جامعه شده است و نیازمند تحقیق در مورد ابعاد مختلف آن است. گسترش پدیدهٔ تأخیر در سن ازدواج برای جوانان، موجب بروز مسائل اجتماعی و پیامدهایی همچون عدم جایگزینی نسلی، ناهنجاری در ارضای نیازهای جنسی، روابط خارج از چهارچوب ازدواج و ناراحتی‌های روحی-روانی برای خانواده‌ها و جوانان می‌شود. تأخیر در سن ازدواج دلایل متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد که در تغییر ارزش‌های فردی و اجتماعی جوانان تأثیرگذار است و جوان مجبور می‌شود که ایدهٔ ازدواج را به زمان دیگری موکول

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

کند و منجر به ازدواج دیرهنگام می‌شود. آمارها حاکی از افزایش آشکار سن در ازدواج اول در بین زنان و مردان است.



نمودار شمارۀ یک- روند تغییرات میانگین ازدواج زوج و زوجه استان ایلام

در سطح کلان در جامعۀ ایران، نگرشی مثبت به خانواده و ازدواج وجود دارد؛ بااین حال، شواهدی مبتنی بر تغییر در شاخص‌های ازدواج دیده می‌شود؛ تا آنجا که روند تجرد قطعی در استان ایلام از ۱/۲۳ درصد در سال ۱۳۸۵، به ٤/٤٢ درصد در سال ۱۳۹۹ برای زنان، رسیده است (سالنامه آماری ثبت احوال، ١٤٠٠). عده‌ای نیز، ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند؛ به طوری‌که میانگین سن ازدواج زوجین در استان ایلام طی سال‌های ١٣٨٦ الی ۱۳۹۹ از روند افزایشی برخوردار بوده است. میانگین سن ازدواج در بین زنان استان ایلام از ۲۲/۷ سال در سال ١٣٨٦ به ۲۵/۷ سال در سال ۱۳۹۹ رسیده است. بر اساس نتایج سالنامۀ آمارهای جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور در سال ۱۳۹۹، نمای استانی میانگین سن در زمان تجربۀ اولین ازدواج نشان می‌دهد که استان ایلام با ۲۹/۳ سال میانگین سن ازدواج برای مردان و ۲۵/۷ سال برای زنان، رتبۀ دوم پس از استان تهران داراست.

بر این اساس، انجام مطالعه و پژوهش دربارۀ دلایل تأخیر در سن ازدواج از دو جنبۀ نظری و کاربردی دارای اهمیت است؛ از بعد نظری، موجب رشد و ارتقای علمی در حوزۀ مورد نظر می‌شود و زمینه برای فهم پدیدۀ مورد بررسی فراهم می‌گردد. از بعد کاربردی نیز می‌توان با شناخت دلایل تأخیر در ازدواج جوانان، علل و زمینه‌های آن را بررسی و اقدامات کاربردی جهت رفع موانع موجود بر سر راه ازدواج جوانان در اختیار سیاست‌گذاران قرار داد. بدیهی است شیوۀ بررسی پدیدۀ تأخیر در سن ازدواج نیز دارای اهمیت است. تحقیقات پیمایشی به علت کمی بودن، قادر به کشف و تفسیر علل و فرایندها در تأخیر سن ازدواج نیستند. همچنین تحقیقات خارجی در فضای فرهنگی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

متفاوت از جامعهٔ ما صورت گرفته است. بر همین اساس، در این پژوهش ضمن توجه به نتایج تحقیقات پیشین، به‌منظور افزایش حساسیت نظری محقق، سعی شده است پژوهشی جدید، مستقل و بومی با راهبرد نظریهٔ مبنایی صورت گیرد؛ تا به این سؤال که چه دلایلی موجب تأخیر در سن ازدواج جوانان استان ایلام شده است؟ پاسخ داده شود.

پیشینهٔ تجربی

در جستجوی پیشینهٔ تجربی، مداقهٔ فراوانی برای یافتن آثاری که موضوع این پژوهش را مورد بررسی و تحقیق قرار داده باشند، صورت گرفت که در ادامه برخی از پژوهش‌های خارجی و داخلی دربارهٔ دلایل تأخیر سن ازدواج جوانان و مسائل مربوط به آن که احتمالاً در این پژوهش می‌توان از آن‌ها کمک گرفت، معرفی می‌شوند.

در مطالعهٔ محمدپور و تقوی (۱۳۹۲) با عنوان "عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان" که با روش پیمایشی انجام شده است، میان متغیرهایی چون سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها، سطح انتظارات جوانان، بی‌اعتمادی اجتماعی‌افراد، لذت بردن از دوران تجرد، تحصیلات و جنسیت پاسخگویان، با بالا رفتن سن ازدواج، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. در نهایت، نتایج حاصل از رگرسیون نشان می‌دهد که پنج متغیر مستقل تحصیلات، سطح انتظارات، بی‌اعتمادی اجتماعی، سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها و لذت بردن از دوران تجرد می‌توانند ۵۱/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته (سن ازدواج) را تبیین نمایند. فولادی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان "تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی"، ناهمزمانی بلوغ جنسی-عاطفی و بلوغ اجتماعی-اقتصادی را عامل اصلی افزایش سن ازدواج بیان کرده است. علاوه بر این، اضافه شدن شرط‌هایی همچون داشتن شغل، درآمد مناسب و برخورداری از تحصیلات عالی برای ازدواج، دامنهٔ سن ازدواج را در جامعهٔ ایران افزایش داده است. بر اساس نتایج مطالعهٔ محمدی سیف و عارف (۱۳۹٤) با عنوان "آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی"، نداشتن شغل، مشکل مالی و ترس از آینده، نداشتن مسکن و بالا بودن اجاره بهای آن، ادامه تحصیل، اعتقاد به داشتن زندگی آزاد، احتیاط بیش از حد در انتخاب همسر، مشکل همسریابی برای دختران، فراهم بودن زمینهٔ ارضای نامشروع میل جنسی، درک نامناسب خانواده‌ها از خواســته‌ها و نیازهای جوانان، دخالت زیاد خانواده‌ها در گزینش همسر برای جوانان، تأمین جهیزیه و سنت‌های غیر منطقی، مهم‌ترین عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی بوده‌اند. محبی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

دختران دانشجو" که با روش کیفی انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج شامل دو تم مفهومی تأخیر ازدواج به مثابۀ فرصت‌سازی و تأخیر در ازدواج به مثابۀ فرصت‌سوزی است. مطالعۀ التجایی و عزیززاده (۱۳۹۵) با عنوان "بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعۀ میان استانی" که با روش تحلیل ثانویه انجام داده‌اند، نشان می‌دهند که افزایش متغیرهای تورم و بیکاری، موجب افزایش سن ازدواج مردان و زنان می‌شوند. در مطالعۀ عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان "سن ایده‌آل ازدواج و عوامل تعیین‌کنندۀ آن در شهر یزد" که با روش پیمایشی انجام داده‌اند، نشان داده شده است که اجرای سیاست‌هایی که بتواند به کاهش نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و افزایش سطح عدالت اجتماعی کمک کند، می‌تواند شرایط ازدواج را در ایران تسهیل نماید. در پژوهش انتظاری و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان "عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران"، وجود رابطۀ معکوس بین پایگاه اجتماعی اقتصادی با سن ازدواج، بیانگر تغییر در سبک زندگی خانواده و نظام ارزش‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش زارعان (۱۳۹۷) با عنوان "بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران"، نشان می‌دهد که شرکت‌کنندگان، زندگی مجردی را به دو گونۀ مجردی آسیب‌زا و مجردی لذت‌بخش تقسیم می‌کنند و مناسبت درونی (عاملیت) و بیرونی (ساختار) را از دلایل تأخیر در ازدواج دختران مجرد می‌دانند و دلیل تأخیر ازدواج دختران مجرد را به دو مفهوم اصلی مناسبت درونی و مناسبت بیرونی محدود دانسته است. فعله‌گری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "واکاوی دلایل تأخیر ازدواج دختران: یک پژوهش کیفی"، معتقدند که تأخیر ازدواج دختران از دلایل پرشمار فردی همچون باورهای بازدارنده، نیافتن فرد ایده‌آل، محدودیت ویژگی‌های ظاهری، بدبینی و بی اعتمادی، تقدیرگرایی، خانوادگی (سطح میانی) همچون آرمان‌گرایی خانواده، تأکید بر ازدواج فامیلی، خانوادۀ آسیب‌دیده و ساختاری همچون برهم‌خوردن توازن جمعیت، وضعیت اقتصادی، تغییرات فرهنگی، اثرات منفی رسانه و فضای مجازی تأثیر می-پذیرد. بر اساس مطالعه حسینی و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان "عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران، تجربۀ تأخیر در ازدواج دختران در شهرستان‌های غربی کشور بیشتر از سایر مناطق ایران است. همچنین نتایج تحلیل‌های چندمتغیره نشان داد که نسبت تجرّد مردان عدمِ تعادل در بازار ازدواج، استقلال زنان، میزان بیکاری مردان و درجۀ توسعه‌یافتگی شهرستان‌ها، به‌ترتیب بیشترین تأثیر را در تبیین تأخیر در ازدواج دختران دارند. بنابراین، کاهش نابرابری توسعه‌ای و بهبود وضعیت اشتغال مردان می‌تواند در کاهش تأخیر ازدواج دختران مؤثر باشد. در پژوهش باقری و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان "برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریۀ زمینه‌ای (مطالعۀ موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد"، تحصیلات و بازاندیشی فرصت‌های فردگرایانه، ادامۀ

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

تحصیل مشغولیتی بازدارنده، تجربهٔ رابطه با دیگری مهم، و واکاوی شکست دیگران (خاطرات منفی)، ترس از طلاق، اعتمادناپذیری و متعهد نبودن مردان، محدودیت شغلی و جبر تحصیلی، سرزنش، تحقیر و اعمال فشار بر دختران، رهایی و مسؤولیت‌ناپذیری، جهاز، بازتولید فرهنگی مشقت‌بار، درآمد و تمکن مالی عاملی مهم برای تشکیل خانواده، روابط عاشقانهٔ مدرن، سبک زندگی غربی، جمود و وسواس ناشی از افزایش سن و بزرگ‌پنداری دافعه های ازدواج، مقوله‌های مستخرج از کدگذاری داده‌های مربوط به تأخیر در سن ازدواج بوده‌اند. یافته‌های مطالعه خلیلی (۱۴۰۰) با "عنوان تحلیل نسلی-مقطعی تغییرات ازدواج زنان ایران" با استفاده از جداول عمر زناشویی نشان می‌دهد که بیشترین متوسط سال‌های تجرد مربوط به زنان دانشگاهی است، به نحوی که کوهورت متولدین ۱۳۶۵-۱۳۷۰بیشترین تأخیر و کوهورت متولدین ۱۳۷۰-۱۳۷۵ کمترین تأخیر ازدواج را تجربه خواهند کرد. مقایسهٔ داده‌های شهری و روستایی نیز بیانگر آن است که با افزایش سطح تحصیلات، زنان روستایی نسبت به زنان شهری تأخیر در ازدواج بیشتری را تجربه خواهند کرد. ترابی و شمس قهفرخی(۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان "عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان"، افزایش تحصیلات و عوامل اقتصادی را مؤثرترین عوامل تعیین‌کننده تأخیر ازدواج ذکرکرده-اند. دلایل و تعیین‌کننده‌های تأخیر ازدواج در ایران عنوان مطالعه‌ای است که بگی(۱۴۰۲) انجام داده است. نتایج مطالعه نشان داده است که میانگین سن ازدواج در بین افراد شهرنشین، اهل تشیع، شاغل، بی‌سواد، گیلک‌ها و مازندرانی‌ها بالاتر بوده است. به‌طور کلی حدود ۴۰درصد افراد دیرتر از سن ایده‌آل مدنظرشان ازدواج کرده بودند. برای مردان، «مشکلات اقتصادی» و برای زنان، «نیافتن فرد مناسب»، دلیل اصلی تأخیر در ازدواج بیان شد.

سوزان فرگوسن[3] (۲۰۰۰) در تحقیقی با عنوان "ازدواج سنتی چالش‌برانگیز"، به این نتیجه رسیده است که چگونگی زناشویی والدین، موقعیت زنان به‌عنوان دختر بزرگ خانواده و یا تنها دختر خانواده بودن، اهداف تحصیلی و فقدان خواستگار مناسب از جمله عواملی است که بر عدم تمایل زنان به ازدواج تأثیر گذاشته است. همچنین وی بیان می‌کند که تحصیلات بالا و شغل مناسب در افزایش سن ازدواج و عدم ازدواج زنان تأثیر بسیار دارد. مطالعه هیوئیت و باکستر[4] (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "عوامل تعیین‌کنندهٔ اقتصادی و اجتماعی ازدواج در استرالیا" نشان داده است که اشتغال تمام وقت فقط در مردان با افزایش بیشتر سن ازدواج آنان همراه است، در حالی که این عامل با سن ازدواج زنان رابطه‌ای ندارد. بر عکس در زنان، دانشجوی تمام‌وقت بودن با احتمال

[3] - Susan Ferguson
[4] - Hewitt & Baxter

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

کمتر ازدواج و تأخیر در ازدواج همراه است که به‌عنوان تعیین‌کنندۀ سن ازدواج مردان نشان داده نشده است. شارپ و گونانگ[۵] (۲۰۱۱) در پژوهشی با عنوان "برداشت زنان مجرد قطعی از محیط اجتماعی خود"، بر این باورند به رغم رشد تعداد مجردان، آرمان ازدواج و فرزندآوری همچنان مستحکم، فراگیر و تاحدود زیادی بلامنازع باقی مانده است، اما افکار و اعمال پاسخگویان تحت تأثیر و هدایت محیط اجتماعی از جمله زندگی اطرافیان، همکاران و دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای اعضای خانواده‌شان قرار دارد. وانگ و ابیات[۶] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان "معنا و تجربۀ زنان مجرد تحصیل‌کردۀ بالاتر از ۳۰ سال از تجرد در چین و گوانژو"، معتقدند اگر چه تجرد دختران، یک سبک زندگی در کشورهای غربی است، اما در جامعۀ چین، زنان مجرد بالای ۳۰ سال هنوز به مثابۀ یک استثنا دیده می‌شوند و ارزش‌های اجتماعی خانواده‌های سنتی چینی به این زنان برای ازدواج و داشتن فرزند فشار می‌آورند. در مطالعۀ محمد و آکل[۷] (۲۰۱۹)، با عنوان "عوامل مؤثر بر تأخیر سن ازدواج از دیدگاه جوانان دانشگاهی"، مسائل اقتصادی، امنیتی و اجتماعی به ترتیب تأثیر منفی بر تأخیر سن ازدواج دارند، در حالی‌که سطح تحصیلات، تأثیری بر تأخیر سن ازدواج ندارد. در مطالعۀ سونگ‌لی و همکاران[۸] (۲۰۲۰)، با عنوان "عوامل تأخیر ازدواج در کره: تجزیه و تحلیل داده‌های سرشماری جمعیت کره در سال‌های ۱۹۹۰–۲۰۱۰"، زنان دارای تحصیلات عالی در مقایسه با زنان دارای تحصیلات پایین، ازدواج را به تأخیر می‌اندازند. مردان با تحصیلات عالی، زودتر از مردان با تحصیلات متوسطه یا کمتر ازدواج می‌کنند. "تغییر ساختار ازدواج و باروری در قرن بیست و یکم با تأکید بر جامعه هند" عنوان مطالعه تایاگی و همکاران (۲۰۲۲) است. نتایج نشان می‌دهند که تأخیر در ازدواج با وضعیت شغلی، در دسترس بودن شغل، شرایط اجتماعی–اقتصادی و عوامل محیطی افزایش می‌یابد. اما از بین همه این عوامل، تحصیلات به‌عنوان یکی از قوی‌ترین تعیین‌کنندۀ تغییر سن در ازدواج در نظر گرفته می‌شود که بر نسبت‌های باروری در زنان تأثیر می‌گذارد.

با بررسی تحقیقات و پژوهش‌های انجام شده در مورد تأخیر در سن ازدواج و عوامل مؤثر بر آن، می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از تحقیقات، صرفا به بررسی عوامل و جنبۀ کمی این پدیده پرداخته‌اند و در قالب آمار و ارقام، روند تغییرات میانگین سن ازدواج را بررسی کرده‌اند. با این حال، در سال‌های اخیر توجه به پژوهش‌های کیفی در تبیین پدیدۀ افزایش سن ازدواج بیشتر شده است. آنچه پژوهش حاضر را از پژوهش‌های دیگر متمایز می‌کند، توجه به روش کیفی در مطالعۀ

5 - Sharp & Ganong
6 -Wang & Abbott
7 - Mohammad & Akel
8 - Song lee & etal

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

پدیدهٔ تأخیر در سن ازدواج در یکی از استان‌های ایران (استان ایلام) است که دارای بالاترین میانگین سن ازدواج در بین استان‌های کشور است.

مبانی نظری

نظریه در تحقیق کیفی، به شیوه‌های خاصی از جمله ایجاد حساسیت نظری برای محقق، راهنمای عمومی و نظری تحقیق، کمک به تدوین چارچوب مفهومی تحقیق، مکمل یا الهام‌بخش فرایند تحلیل و تفسیر داده‌ها عمل می‌نماید (محمدپور، ۱۳۹۲: ٤۹). در اینجا به منظور آشنایی با مفاهیم و دیدگاه‌های موجود، برخی از نظریه‌ها مرور شده است و محقق قصد استخراج چارچوب نظری یا مدل تحقیق را ندارد. در واقع هدف استفاده از نظریه در این پژوهش، صرفاً به‌عنوان راهنمایی جهت مفهوم‌سازی و حساسیت نظری است و پژوهشگران به دنبال ذهنیتی برساخته از نظریه، جهت جمع آوری اطلاعات از پیش تعیین‌شده نیستند، زیرا ماهیت پژوهش کیفی، ورود به میدان با ذهنیتی باز است. در این پژوهش، محقق سعی کرده است نظریه و داده را از میدان استخراج کنند.

نظریهٔ اجتناب از خطر، انگیزه‌های فردی رفتار افراد را در چارچوب اقتصادی تبیین می‌کند و مدعی است افراد زمانی که در شرایط ناامنی اقتصادی قرار دارند و عدم قطعیت بالایی دارند، از ریسک‌های غیرضروری در زندگی‌شان اجتناب می‌کنند. مک‌دونالد[9] در جهت بسط این نظریه در مباحث خانواده اقدام کرده است (صادقی، ۱۳۹۵: ۱۵۰). مک‌دونالد معتقد است که جوانان به موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، حساسیت بیشتری دارند. جهانی‌شدن و افزایش سطح تحصیلات، به افزایش سطح انتظارات اقتصادی جوانان منجر شده است. اگرچه ممکن است ازدواج برای جوانان منافعی را به همراه داشته باشد، در شرایط بیکاری و ناامنی اقتصادی، ریسک را افزایش می‌دهد. در این شرایط، جوانان ترجیح می‌دهند که زمان بیشتری را به تحصیل بپردازند و امنیت شغلی خود را افزایش دهند (مک‌دونالد، ۲۰۰٦). این مسأله هم از جانب مردان و هم از جانب زنان دیده می‌شود و تأخیر در سن ازدواج آنان را در پی دارد.

از دیگر نظریه‌های راهگشا در پژوهش حاضر، جهت افزودن بر حساسیت نظری، نظریه‌های گیدنز در خصوص بازاندیشی در مدرنیته است. به عقیدهٔ گیدنز (۱۳۷۷) ویژگی مدرنیته نه اشتها برای چیزهای نو، بلکه فرض بازاندیشی دربارهٔ همه چیز است. با کاهش نفوذ سنت و بازسازی زندگی روزمره برحسب عوامل جهانی و محلی، افراد ناچارند شیوه‌های زندگی خود را از میان

[9] -Macdonald

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

گزینه‌های مختلف برگزینند. در این میان، اگر چه عوامل یکسان‌ساز و استانداردکننده وجود دارد، مراجع زندگی اجتماعی امروزی و همچنین تکثریابی زمینه‌های عمل و تنوع « باز بودن » به دلیل انتخاب شیوۀ زندگی، بیش از پیش در ساخت هویت شخصی و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد. در دیدگاه گیدنز، صنعت‌گرایی، سرمایه‌داری و تسلط سرمایه‌دارانه، تقویت نهادهای نظارت اجتماعی، قدرت سازماندهی و پویایی نهادهای عصر تجدد و جهانی شدن از جمله ویژگی‌های دوران نوسازی شناخته می‌شوند. همچنین علل پویایی و تحرک خارق‌العادۀ عصر تجدد با سه عامل شناخته شده است: جدایی زمان و مکان که بسیاری از پدیده‌های محلی را به وقایعی جهانی تبدیل کرده است، ساختارهای تکه‌برداری‌شده، انعکاس نهادی یا حساسیت فوق‌العادۀ سازمان‌های جامعۀ مدرن برای پذیرش تغییراتی که بر اساس مشاهدات، به‌سرعت در خانواده منعکس می‌شوند. اگر سایر ویژگی-های نوسازی مانند خردگرایی، فردگرایی، افسون‌زدایی، پوچ‌گرایی و دگرگونی را نیز در نظر بگیریم، با هر کدام از آنها نیز می‌توانیم این تحولات را شرح دهیم. به بیان دیگر، تغییری که در جامعۀ مدرن اتفاق افتاده است، باعث شده است برخی ویژگی‌های ازدواج در جامعۀ سنتی مانند نوع انتخاب همسر و دخالت در آن، ازدواج‌های فامیلی، چندزنی، قابلیت فرزندآوری، پایین بودن سن ازدواج، فاصلۀ سنی زن و مرد و پدیدۀ ازدواج مجدد تغییر کنند. در واقع کاهش نفوذ گروه‌های خویشاوندی، انتخاب آزادتر همسر، به رسمیت شناخته شدن حقوق زنان و خانواده، کاهش ازدواج‌های خانوادگی، آزادی جنسی و توجه به حقوق کودکان از جمله تغییرات عمده‌ای است که در خانواده اتفاق افتاده است (گیدنز، ۱۳۸۸: ٢٤). در همین حال، کلاورد و اولین[10] معتقدند که دسترسی به ارضای جنسی، بی اعتمادی به فرد مقابل و افکار وسواسی در انتخاب همسر، همگی در ازدواج تأخیر ایجاد می‌کنند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ٦٢).

زیگمونت باومن[11] در نظریۀ عشق سیال به شکنندگی پیوندها بین زنان و مردان می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه در جامعۀ مدرن، روان‌شناسی و بازار، انسان‌ها را به سوی ایجاد پیوندهای سست سوق می‌دهد که از این پیوندها تحت عنوان «عشق سیال» نام می‌برد. در عصر حاضر، زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، اما در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی، آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی‌شان را سلب کند. انسان‌های امروزی، روابط را می‌خواهند، اما تنها با خوبی‌های آن و نه با مشکلاتش. در جامعۀ سیال مدرن، افراد به جای پیوندهای ناگسستنی و همیشگی، خواهان پیوندهای سست و بی

10 - Claward and Evelyn
11 - Zygmunt Bauman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

قید و بند هستند (باومن، ۱۳۸٤: ۱۱). ویلیام گود[12] (۱۹٦۳) در نظریهٔ همگرایی خانواده، ایدهٔ انقلاب جهانی در الگوهای خانواده را مطرح می‌کند. وی معتقد است فرایند نوسازی با ترجیح خانوادهٔ هسته‌ای، فردمحوری در مقابل خانواده‌محوری، بهبود موقعیت زنان، گسترش تحصیلات عمومی، شهرنشینی و ازدواج‌هایی با انتخاب آزاد، امکان‌هایی را برای تغییر الگوی ازدواج و خانواده فراهم آورده است. بنابراین، با توجه به نظریهٔ گود و تحت تأثیر این تحولات ساختاری، در جوامع کمتر توسعه‌یافته، گرایش به ازدواج‌هایی با سبک و سیاق مدرن غربی و با ویژگی‌هایی چون هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالا، باروری پایین و برابری جنسیتی در حال افزایش است (سفیری، ۱۳۸٦: ۹۰).

بر اساس نظریهٔ مصرف نسبی دوزنبری[13] (۱۹٤۹) گرایش فرد به مصرف، تا حد زیادی متأثر از مصرف دیگران است. پذیرش این نظریه در کنار گسترش فرهنگ مصرفی شهری و دوری از فرهنگ تولیدی و خودبسندگی روستایی، می‌تواند از یک سو موجب سنگین‌تر شدن وظیفهٔ تهیهٔ جهیزیه به ویژه برای دختران شود و از سوی دیگر، سطح توقع پسران را بالا ببرد. خود این مسأله نیز به نوعی می‌تواند ازدواج را به تعویق اندازد و سن ازدواج را بالا ببرد (التجائی و عزیززاده، ۱۳۹۵: ٦). نظریهٔ انتخاب عقلانی نیز به دنبال تبیین رفتار انسانی است که عاقلانه رفتار می‌کند و به دنبال بیشینه کردن منافع فردی خویش است. البته باید توجه داشت که مفهوم نفع، فقط شامل منفعت اقتصادی نیست و منافع غیرمادی را نیز در بر می‌گیرد و میزان محاسبه‌گری فرد از حد عقلانی کامل به حد قابل اقناع تقلیل می‌یابد و همچنین در کنار مفهوم نفع، هنجارهای اجتماعی نیز لحاظ می‌شود (جوادی یگانه، ۱۳۸۷). کلمن[14] (۱۳۷۷) در نظریهٔ انتخاب عقلانی خود به هنجارهای ازدواج نیز اشاره می‌کند و این‌گونه توضیح می‌دهد که عرصه‌ای که در خصوص روابط بین سطوح خرد و کلان، شباهت‌هایی به بازار اقتصادی دارد، بازار ازدواج است. اما بازاری کاملاً ویژه، که هر کنشگر فقط یک کالا برای مبادله دارد یعنی خودش و محدودیت تک همسری، بر نرخ مبادله حاکم است، که از تنوع در کمیت برای دستیابی به ارزش برابر در مبادله جلوگیری می‌کند. مدل‌هایی برای انتقال از سطح خرد به کلان در بازارهای ازدواج به وجود آمده است و قضایایی دربارهٔ ثبات محاسبات خاص وصلت مناسب وجود دارند (کلمن،۱۳۷۷: ٤٥). به عقیدهٔ کلمن، کنش عقلانی تک‌تک افراد، تغییر در هنجارهای ازدواج را منجر شده است.

12 - William Goode
13 - Dusenberry
14 - Coleman

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

نظریهٔ نوسازی بر این باور است که گذار جوامع از نظم سنتی به نظم مدرن، باعث تغییراتی در سطوح مختلف کلان، میانی و خرد در بین تمامی گروه‌ها شده است که این تغییرات به نوبهٔ خود موجب دگرگونی ارزش‌ها، انتظارات، خواسته‌ها و ... خواهند شد (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۳). نظریهٔ نوسازی تغییرات خانواده را به تغییرات در زندگی اجتماعی، به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی، یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می‌داند. بر این اساس، تحولات ازدواج و خانواده، به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی، انطباق با شرایط اقتصادی اجتماعی تغییریافته، در نظر گرفته می‌شود (محمودیان، ۱۳۸۳).

در نظریهٔ پارسونز، چگونگی شکل‌گیری رفتارهای فردی به وسیلهٔ ساختارها صورت می‌گیرد. چهار خرده نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مطرح شده است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به‌ترتیب عهده‌دار کارکرد حفظ و تداوم الگوها، نیل به اهداف، انطباق با شرایط محیطی، ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی هستند. البته این مدل، انتزاعی است و در همهٔ سطوح کلان، میانه و حتی گروه‌های کوچک، قابلیت تعمیم دارد و در هر ردهٔ نظام می‌توان این چهار کارکرد را جستجو کرد (صدیق اورعی، ۱۳۷۸: ۳۹). وی در مورد فرایند هسته‌ای شدن خانواده به اهمیت شغل پرداخته است و بر اساس متغیرهای الگوی خود، اهمیت آن را ناشی از ماهیت نظام تقسیم کار در جوامع صنعتی جدید می‌داند. به نظر وی، از اثرات پیچیدگی نظام این است که از شغل، یک رکن اصلی پایگاه اجتماعی می‌سازد. از طرف دیگر، پایگاه شغلی یک فرد عموماً حاصل فرایندی طولی سرمایه-گذاری و آموزش است. در مسیر تحول جوامع صنعتی، زمانی فرا می‌رسد که خانواده عموماً از لحاظ پایگاه شغلی، منشأ هیچ کمکی برای فرد نمی‌باشد (بوودن، ۱۳۷۳: ۱۱۱). بدین ترتیب، شغل در سن ازدواج مؤثر است. غالباً جوانان زمانی ازدواج می‌کنند که یقین داشته باشند از عهدهٔ تأمین مخارج زندگی بر خواهند آمد و چون افراد نمی‌توانند در سنین مثلا بیست تا بیست و پنج سالگی درآمد کافی داشته باشند، لذا نوع شغل اهمیت پیدا می‌کند و به‌عنوان مانع اساسی، فراروی ازدواج جوانان قرار می‌گیرد (مجدالدین، ۱۳۸٦: ۳۷۹).

مهم‌ترین نظریهٔ اقتصادی دربارهٔ افزایش سن ازدواج، نظریهٔ بیشینه‌سازی سود بکر[15] است. از نظر بکر (۱۹۹۳)، ازدواج مظهر یک رفتار است و مزیت ازدواج کردن بیش از مجرد ماندن است. به اعتقاد وی، چون زنان و مردان از نظر اقتصادی–اجتماعی حقوق یکسانی را تقریباً دریافت می‌دارند، بنابراین انگیزهٔ ازدواج زنان کمتر می‌شود. وقتی زنان دارای شغل می‌شوند، شیوهٔ معمول ازدواج نیز

15 - Becker

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

متحول می‌شود. زنانی که در زمان‌های قدیم به علت ترس از مشکلات مالی سریعاً ازدواج می‌کردند، امروزه اگر هم‌زمان ازدواج نکنند، دیگر این واهمه را ندارند. البته امکان دارد افرادی به خاطر وضعیت اقتصادی ازدواج کنند، ولی امروزه ممکن است زنان اقدام به ازدواج نکنند و به وضعیت تجرد خود ادامه دهند (منش و همکاران، ۲۰۰۵).

بر اساس نظریهٔ بی‌سامانی اجتماعی مرتون[16]، ازدواج زمانی رخ می‌دهد که جامعه بتواند اهداف مشخص فرهنگی و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا بتواند در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد. هرگاه وسایل و اهداف در یک گروه اجتماعی و یا در ساختار جامعه هماهنگ باشند، مثلا هر دو نفر، اهداف سنتی را دنبال نمایند و یا هر دو عقلانی-حقوقی باشند، آن جامعه دچار مشکل نخواهد بود، ولی چنانچه اهداف ارزشی یا عاطفی باشند، ولی وسیلهٔ وصول به آنها عقلانی باشد، دیگر با یک جامعهٔ متعادل و هماهنگ روبه‌رو نخواهیم بود. همین امر دربارهٔ بسیاری از موضوعات مانند پدیدهٔ تأخیر در سن ازدواج نیز می‌تواند اتفاق بیافتد. وی معتقد است که زمانی شاهد بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی خواهیم بود که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود جامعه، ناسالم خواهد شد. بر اساس این دیدگاه، می‌توان اذعان کرد که پدیدهٔ اجتماعی ازدواج، به‌عنوان یکی از اهداف تعیین‌شدهٔ جامعه با راه‌ها و وسایل مورد نیاز در جهت نیل به آن هماهنگ نیست. چنین گسستی میان اهداف و راه‌های نیل به آن، جامعه را دچار بی‌سامانی می‌کند که حاصل آن به‌وجود آمدن افراد کجرو و بروز بسیاری از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی و اخلاقی است (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۶).

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی و از نوع «نظریه مبنایی» است. از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی- برساخت‌گرایی اجتماعی است. تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماری و با مقاصد کمی‌سازی حاصل نشده باشد (محمدپور، ۱۳۹۲: ٦١). روش کیفی بر ماهیت، فرایندها و معنادهی تأکید می‌کند. همچنین این روش تحقیق اغلب بر اینکه چگونه تجربهٔ اجتماعی خلق می‌گردد و معنا حاصل می‌نماید، تأکید دارد. در واقع ماهیت این روش اقتضاء می‌کند رابطهٔ بین محقق و موضوع شکل گیرد، همچنین بستر مطالعه بر روی روش تأثیر گذارد (دینزین و لینکن[17]، ۲۰۱۱).

16 - Merton
17. Denzin & Lincoln

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

برای نمونه‌گیری افراد مورد مشاهده در پژوهش‌های کیفی، به جای نمونه‌گیری احتمالی از راهبردهای نمونه‌گیری قصدی یا نمونه‌گیری هدفمند استفاده می‌شود. در این نوع نمونه‌گیری، پژوهشگر سعی بر آن دارد که افراد را چنان انتخاب کند تا هدف تحقیق تحقق یابد (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۵). محقق اگرچه می‌تواند از همۀراهبردهای نمونه‌گیری در تحقیق کیفی خود استفاده کند، اما پیشنهاد می‌شود که تناسب راهبرد نمونه‌گیری در نظر گرفته شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۹۰). در این مطالعه شیوۀ «نمونه‌گیری هدفمند» و از نوع «نمونه‌گیری نظری» است. بر این اساس، تعداد ۲٤ جوان، به‌عنوان مشارکت‌کننده تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. دسترسی به مشارکت‌کنندگان از طریق مراکز دانشگاهی و پارک‌های عمومی صورت گرفته است و مکان مصاحبه بر اساس توافق با مصاحبه‌شوندگان در پارک و یا مراکز دانشگاهی انجام شده است. در این مطالعه، روش جمع‌آوری داده‌ها متناسب با نظریۀ زمینه‌ای بوده است. بدین سبب استفاده از مصاحبه‌های عمیق مطمح نظر است. همچنین از یک دستگاه ضبط صوت که قبلاً به اطلاع مصاحبه‌شوندگان رسیده بود، جهت ثبت مصاحبه‌ها و مرور آن‌ها در صورت نیاز، استفاده شد. از نظر زمانی، داده‌های این پژوهش در سال ۱٤۰۰ جمع‌آوری شده است. نمونه مشتمل بر جوانان ازدواج‌نکرده بالاتر از میانگین سن ازدواج در استان ایلام است. در واقع، شرایط قرار گرفتن در نمونه عبارت‌اند از: ۱) پسران در گروه سنی ۲۸-٤۰ ساله و دختران در گروه سنی ۲٦-٤۰ ساله. ۲) در زمان انجام پژوهش ازدواج نکرده باشند. ۳) نمونۀ انتخابی مشتمل بر دختران و پسران است.

نوع تجزیه و تحلیل در این مطالعه که به روش کیفی است، با استفاده از سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی است. لوف‌لند[18] (۱۹۷۱) معتقد است که با بررسی یا تجزیه و تحلیل کلیۀ داده‌ها و مفاهیم، می‌توان در کل، جوابی به سه سؤال در نظر گرفت که عبارتنداز: ۱) ویژگی‌های پدیدۀ اجتماعی چیست ۲) دلایل و علل پدیدۀ اجتماعی چیست و چه اشکالی به خود می‌گیرد و ۳) پیامدهای این پدیدۀ اجتماعی چیست.

جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده ۲٤ مصاحبه انجام شده است. زمان انجام مصاحبه‌ها از ۵۰ تا ٦۰ دقیقه متناسب با شرایط مصاحبه‌شونده از جمله سطح سواد، انگیزه و علاقه و تمایل به همکاری و دیگر شرایط فردی آنان در نوسان بود. نمونه‌گیری از مصاحبه‌شوندگان چنین بود که با پیداکردن جوانانی که ازدواج نکرده‌اند، مصاحبه صورت می‌گرفت و از همین مصاحبه‌شوندگان جهت پیدا کردن سایر افراد نمونه، کمک گرفته می‌شد. لذا نمونه‌گیری نه به‌طور تصادفی، بلکه با

[18] - Loveland

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

شناخت افراد از قبل و رجوع به آنان مورد نظر بوده است. اکثر مصاحبه‌ها با توافق مصاحبه‌شونده و در داخل پارک انجام می‌شد. اشباع نظری در این مطالعه تا مصاحبه ۲٤ام به دست آمد. بدین معنا که تیم مصاحبه پس از انجام مصاحبه و تجزیه و تحلیل نتایج، از مصاحبه ۲٤ ام به بعد مطالب جدید و مناسبی که به اهداف پژوهش کمک نماید، نیافتند.

جدول شمارۀیک-سیمای مشارکت‌کنندگان در پژوهش

ردیف	اسم مستعار	جنسیت	سن	میزان تحصیلات	وضعیت اشتغال
۱	فرزاد	پسر	۳۰	کارشناسی ارشد حقوق	آزاد
۲	امیر	پسر	۲۹	لیسانس عمران	مشغول در شرکت
۳	میلاد	پسر	۲۸	دیپلم فنی و حرفه‌ای	کارگر
٤	علی	پسر	۲۸	لیسانس فلسفه	فروشنده
٥	مراد	پسر	۲۸	دیپلم کار و دانش	کارمند
٦	محمد	پسر	۳۱	کارشناس ارشد حسابداری	آزاد
۷	سامان	پسر	۳۲	دیپلم تجربی	آزاد
۸	پوریا	پسر	۲۹	لیسانس مدیریت	مکانیک
۹	رضا	پسر	۲۸	لیسانس کامپیوتر	مشغول در شرکت
۱۰	مجتبی	پسر	۳۰	لیسانس کامپیوتر	آزاد
۱۱	حسین	پسر	۳۱	لیسانس علوم اجتماعی	بیکار
۱۲	اکبر	پسر	۳۰	لیسانس برق	کار پاره وقت
۱۳	رضا	پسر	۲۸	لیسانس روانشناسی	کارمند
۱٤	نورا	دختر	۲۸	لیسانس آزمایشگاه	شاغل در آزمایشگاه
۱٥	ستاره	دختر	۳۰	لیسانس مدیریت	فروشنده
۱٦	زهرا	دختر	۲۸	لیسانس اقتصاد	شاغل در شرکت
۱۷	شیما	دختر	۲۹	لیسانس کامپیوتر	شاغل در شرکت
۱۸	حدیث	دختر	۲۷	لیسانس کامپیوتر	کار پاره وقت
۱۹	سارا	دختر	۲۷	لیسانس مدیریت	بیکار
۲۰	هدی	دختر	۲۹	لیسانس مدیریت	کارمند
۲۱	محدثه	دختر	۲٦	لیسانس مامایی	بیکار
۲۲	فاطمه	دختر	۳۲	دیپلم انسانی	فروشنده
۲۳	مریم	دختر	۳۰	کارشناسی ارشد عمران	کار پاره وقت
۲٤	سیما	دختر	۲۹	لیسانس تاریخ	بیکار

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

روند تحلیل داده‌ها و مفاهیم، کدگذاری نامیده می‌شود. کدگذاری فرایند فعال نام‌گذاری داده‌ها است. اینکه هر داده، متعلق به چه مفهومی، دلالت‌گر کدام مفهوم و چه نوع پدیده‌ای است. این پدیده ممکن است یک باور، کنش، عمل فرهنگی یا رابطه‌ای باشد. اولین فعالیت‌های مربوط به فرایند کدگذاری، کدگذاری باز نامیده می‌شود (ترسی، ۲۰۱۳: ۱۸۹). با کدگذاری باز، به‌دنبال مقایسه و خرد کردن داده‌ها هستیم که به مفهوم‌پردازی و مقوله‌پردازی می‌انجامد. در کدگذاری محوری، دست به تقلیل مفاهیم می‌زنیم تا به مقولات برسیم. مقولات، قدرت مفهومی دارند، زیرا قادرند گروهی از مفاهیم یا خرده مقولات را به یکدیگر پیوند دهند. در واقع کدگذاری محوری، ادامهٔ کدگذاری مرحلهٔ اول یعنی کدگذاری باز است. در این مرحله، کدهایی که قطعه قطعه گشته‌اند، جهت حصول روابط معنادار، دوباره گرد هم می‌آیند (چارمز[19]، ۲۰۰۶: ۸۹). و سرانجام در مرحلهٔ پایانی یعنی کدگذاری گزینشی (انتخابی)، به‌دنبال یافتن یک مقولهٔ هسته و مرکزی هستیم که تمامی مقولات قبلی را در خود جای دهد. هدف نهایی در روش کیفی، با الگوی نظریهٔ زمینه‌ای، تحلیل نظری و یا در نهایت ارائهٔ نظریه است (محمدی، ۱۳۸۷: ٥٤). لذا با در نظر گرفتن چنین فرایندی، کلیهٔ مصاحبه‌های پیاده شده در دو مرحله کدبندی می‌شوند و تعداد مفاهیم تقلیل خواهد یافت و در نهایت به مقولات (تم‌ها) خواهیم رسید، تا بتوان سرانجام، مقولهٔ هسته و مرکزی را که باید دارای قدرت تحلیلی باشد و شمول معنایی آن در حدی باشد که دیگر مقولات را نیز در خود بگنجاند. انجام این سه مرحله کدبندی، مستلزم دقت فراوان است، چرا که این مقولات در مدل زمینه‌ای نهایی، حول مقولهٔ گزینشی یا تم اصلی نظریه قرار می‌گیرند و شرایط، تعاملات و پیامدها را به تصویر می‌کشد. در این مطالعه نیز این سه مرحله در تحلیل داده‌های کیفی اجرا شده است و در پایان یک مدل زمینه‌ای ارائه شده است که با کمک آن بتوان به تحلیل دلایل تأخیر در سن ازدواج جوانان رسید. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار مکس کیودا استفاده شده است.

برای افزایش قابلیت اعتبار، یک روش خاص و از پیش تعیین‌شده وجود ندارد، بلکه مجموعه‌ای عوامل می‌تواند به این امر کمک نماید. متن تحقیقات کیفی، باید دارای خاصیتی باشد که از آن «صداقت نویسنده» ساطع گردد و این بدان معناست که گزارش باید بتواند مخاطبان خود را به درست بودنش متقاعد کند (محمدی، ۱۳۸۷: ۱٤۹). در این مطالعه، سعی بر آن شده که پیش‌زمینه‌های محقق از میدان و از داده‌ها دور گردد و واقعیت، به مثابهٔ واقعیت میدان مورد نظر باشد. همچنین جهت صحت تأمین داده‌ها سعی شده است در ابتدا با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان در مصاحبه، نظرات واقعی و تفسیری آنان از موضوع گرفته شود و بازسازی گردد.

[19] . Charmaz

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ثانیاً، با وسواس بیشتری مراحل کدبندی و اطلاق کد به مفاهیم با مشورت اساتید و صاحب‌نظران مورد نظر باشد. بنا بر معیار اطمینان‌پذیری، نتایج مصاحبه و کدگذاری صورت گرفته به دو نفر از افراد مشارکت‌کننده داده شد و تأیید نتایج توسط آنها انجام شد. آنان بعد از مطالعه و راهنمایی اظهار نظر کردند و نتایج به دست آمده را تأیید کردند. از روش مقبولیت داده‌ها با مرور دست‌نوشته‌ها توسط شرکت‌کننده‌ها جهت رفع هرگونه ابهام در کدگذاری‌ها استفاده شد. قابلیت تعیین تأیید نیز با جمع‌آوری سیستماتیک داده‌ها و با رعایت بی‌طرفی محقق، توافق اعضاء روی مصاحبه‌ها، کدها، دسته‌بندی کدهای مشابه و طبقات برای مقایسه بین آنچه محقق برداشت نموده است با آنچه که منظور شرکت‌کنندگان بوده است، استفاده شد. همچنین علاوه بر پژوهشگر اصلی، یافته‌ها توسط سه نفر از اساتید متخصص مورد بررسی و تائید قرارگرفته است. ثبات یافته‌ها با نسخه‌نویسی، استفاده از نظرات همکاران و مطالعهٔ مجدد کل داده‌ها و قابلیت انتقال از طریق مصاحبه با مشارکت-کنندگان متفاوت، ارائهٔ نقل‌قول‌های مستقیم و مثال‌ها و تبیین غنی داده‌ها امکانپذیر گردید.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های این مطالعه بر اساس مصاحبه‌های عمیق حاصل شده است. سؤال اصلی پژوهش حاضر شناسایی دلایل تأخیر در سن ازدواج در بین جوانان ایلام می‌باشد. بر همین اساس، نخست با افراد درگیر با مسأله یعنی جوانانی که از میانگین سن ازدواج عبور کرده‌اند، ولی ازدواج نکرده‌اند، مصاحبه به عمل آمده است. حاصل کدگذاری اولیه ۱۱۵ مفهوم اولیه بود که مجدداً غربال گری صورت گرفت و کدهایی که عینا یکی بودند حذف شدند در نهایت ۸۰ کد و مفهوم اولیه حاصل شد و در ادامه نیز در ۲۲ مقوله طبقه‌بندی شدند.

جدول شمارهٔ دو-کدگذاری محوری و انتخابی

مقولهٔ هسته	مقولهٔ کدگذاری انتخابی	مفاهیم کدگذاری باز
غیرارادی بودن تأخیر در سن ازدواج	ملاک‌های انتخاب	عدم رسیدن به کسی که دوستش داری- هم‌سطح نبودن گزینه‌ها از نظر روحی و روانی- ملاک‌ها و معیارهای انتخاب- نرسیدن به فرد یا ملاک مورد انتظار-نداشتن ملاک‌های مورد انتظار.
	شیوهٔ ارتباط با دیگران	رفیق ناباب-رفاقت زیاد با دوستان-آزادی در پوشش- نگاه به زندگی دیگران- توجه به مشورت دیگران نه دخالت- نوع رفتار با دیگران- نگاه و برداشت نامناسب دیگران.
	آسیب‌های فردی	فرار از مسؤولیت و تعهد- تصمیمات اشتباه در زندگی- اعتیاد و مسائل حاشیه‌ای- بیماری اعضای خانواده- زندان رفتن و سابقه‌دار بودن- معلولیت جسمی- اعتیاد به مواد مخدر.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقولۀ هسته	مقولۀ کدگذاری انتخابی	مفاهیم کدگذاری باز
	پیامدها	بی‌معناشدن زندگی- کاهش احتمال ازدواج- عدم پیشرفت- فاصلۀ سنی زیاد با فرزندان- عدم ارتباط صحیح با فرزند- رسیدن به استقلال مالی- پخته شدن فرد- کارکردن و پس‌انداز- بلاتکلیفی- ازدواج با افراد با سن بالا- آسان‌گیری در ازدواج- عدم تمرکز.
	شناخت از طرف مقابل	سخت شدن شناخت همسر- شناخت ناکافی از طرف مقابل.
	محیط زندگی	ناکافی بودن بسترهای ازدواج- فقر محلۀ زندگی- نگرش جامعه نسبت به معلولین-محیط جامعه یا شهر محل زندگی.
	فعالیت‌های سرگرم‌کننده	تفریحات- سرگرم شدن با فعالیت اجتماعی و ورزشی- ورزش و کسب مهارت.
	لذت بردن از زندگی	لذت از زندگی و داشتن دوست دختر- لذت بردن از زندگی مجردی- سپری شدن اوقات با دوستان- خوش‌گذرانی و لذت آنی.
	آداب و رسوم	عدم توجه به آداب و رسوم- سنت‌گرایی-آداب و رسوم غلط- سنت‌ها و قوانین ناعادلانه- دستورات و فتواهای مذهبی و دینی.
	مسأله نبودن تأخیر	مسأله نبودن سن بالا- نگاه مثبت به تجرد- تأخیر فرصتی برای آگاهی بیشتر- پذیرش شرایط موجود- استقلال و نقش‌آفرینی در جامعه- استفاده مفید از دوران مجردی- عدم اجبار و حتمی بودن ازدواج.
	عدم آگاهی	ناآگاهی-عدم آگاهی نسبت به ازدواج.
	ویژگی‌های روحی و روانی نامناسب	سر و سامان نداشتن- عدم حوصله- بلاتکلیفی و تنهایی- عدم آرامش- مشکلات اعصاب و روان- عصبانیت- گوشه‌گیری.
	دنبال ایده‌آل بودن	نگاه سالم‌تر به ازدواج- مهم بودن عشق- درک متقابل و عشق در زندگی- دنبال پیشرفت بودن- عدم ازدواج با هر شرایطی- منتظر بودن تا بهبود شرایط.
	ترس از تجربه دیگران	درس گرفتن از دیگران- ترس از شکست- ترس و اضطراب فراوان.
	عدم آمادگی	عدم آمادگی زناشویی- عدم آمادگی روحی وروانی و اقتصادی.
غیرارادی بودن تأخیر در سن ازدواج	عدم اعتماد به دیگران	عدم اعتماد به جامعه و افراد غریبه- عدم اطمینان به دختران- رواج بی‌اعتمادی در جامعه.
	کمک‌کار خانواده بودن	کمک‌کار پدر بودن- شرایط خاص خانوادگی و توجه به کار- کمک‌کار مادر بودن- کمک بیشتر به خانواده.
	نبود نهاد همسرگزینی	عدم وجود شبکه همسریابی- نبود نهاد همسریابی.
	بی‌برنامه بودن	هدف نداشتن- فکر نکردن به ازدواج- عدم تصمیم‌گیری برای آینده- ازدواج یک اتفاق است و نه انتخاب- نداشتن استراتژی خاص.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

مقولۀ هسته	مقولۀ کدگذاری انتخابی	مفاهیم کدگذاری باز
	عدم تمایل به ازدواج	تمایل نداشتن به ازدواج- عدم نیاز به ازدواج- عادی انگاشتن سن بالای ازدواج و عدم تمایل به ازدواج در سنین پایین- تمایل نداشتن به ازدواج.
	ارتباط‌گیری با جنس مخالف	مسائل ناشی از ارتباط غیر عرفی- برقرای ارتباط سالم جهت ارضای نیازهای عاطفی- بهره‌گیری از شبکه‌های اجتماعی- برقرای ارتباط و تنوع در ارتباط- ارتباط موقت- ارتباط‌گیری در فضای مجازی.
	ساختار خانواده	آزادی کامل در ازدواج- عدم توجه به تغییر نسلی- ترجیح ازدواج فامیلی- عدم حمایت خانواده- دخالت بی‌جای خانواده- مردسالاری و حساسیت بیش از اندازه خانواده.
	وضعیت اقتصادی	توجه به مقولۀ استقلال مالی- گرانی و تورم- ناکافی بودن درآمد برای تشکیل خانواده- بیکاری و نداشتن پشتوانۀ مالی- هزیه‌های بالای ازدواج.
	ادامه تحصیل	تمرکز بر درس خواندن- تحصیلات و تازه شاغل شدن- زمان‌بر بودن تحصیلات و سربازی- ادامه تحصیل و پیدا کردن دوستان جدید.

شرایط علّی

شرایط علّی، به حوادث، وقایع و اتفاق‌هایی دلالت دارد که به وقوع و گسترش پدیده‌ای می‌انجامد (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵۳). در این پژوهش وضعیت اقتصادی، به‌دنبال ایده‌آل بودن، ادامه تحصیل، عدم تمایل به ازدواج، ملاک‌های انتخاب و آسیب‌های فردی به منزلۀ شرایط علی شناسایی شده‌اند. مقولۀ وضعیت اقتصادی از مواردی است که به‌عنوان شرط علّی تأخیر در سن ازدواج شناسایی شده است. در این مقوله، توجه به استقلال مالی، گرانی و تورم، ناکافی بودن درآمد برای ازدواج، عدم اشتغال و نداشتن شغل، نداشتن پشتوانه مالی و هزینه‌های بالای ازدواج، مفهوم‌سازی شده است.

«شرایط امروز جامعه با توجه به گرانی و تورم، کسایی که وارد زندگی می‌شوند باید آمادگی کامل برای یک زندگی جدید داشته باشند» (نورا، ۲۸ساله).

«ازدواج یک پدیدۀ یک طرفه نیست. آداب و رسوم و قوانین این کشور یا هر جای دیگه این حق رو به پسر داده که همسر خودشو انتخاب کنه که شاید ریشه در دورانی باشه که زنان هیچ نقشی در اجتماع نداشتند و مردسالاری حرف اول رو میزد الان هم اوضاع همینطور است. من به‌عنوان یک دختر میخواهم که ازدواج کنم ولی وقتی شرایط اقتصادی پسران ضعیف است. وقتی شغل مناسب ندارند و گرانی روز به روز باعث شده فکر ازدواج از سرشون بیاد بیرون، دختران چیکار کنند. شرایط طوری شده که من هم اگه پسری بیکاری یا اینکه کار آزادی داشته باشه که درآمدش کفاف زندگی رو نده چطور وارد زندگی زناشویی شم. الان اقتصاد حرف اول رو میزنه و من دلیل اینکه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ازدواج نکردم بحث خودم نیست بحث شرایطی است که در آن قرار دادیم و من به‌عنوان یک دختر در خانه پدری باشم خیلی بهتره که در خانه خودم باشم ولی هیچ آرامش خاطری نداشته باشم». (سارا، ۲۷ساله).

شرایط زمینه‌ای

نشانگر یک سلسله شرایط خاصی است که در آن راهبردهای کنش/کنش متقابل انجام می‌شود (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵٤). در این مطالعه، مقوله‌های محیط زندگی، نبود نهاد همسرگزینی، ساختار خانواده و ترس از تجربۀ دیگران، به‌عنوان شرایط زمینه‌ای شناسایی شده‌اند.

«نظام یک کشور باید شرایط را برای شروع یک زندگی زناشویی برای جوان خود محیا کند که آموزش های مربوط به این امر یکی از اصلی ترین مسائل هستش». (مجتبی، ۳۰ساله).

«کسی که تو یه محلۀ فقیر نشین به دنیا میاد حتما خانوادش فقیر هستش که نمیتونن تو یه محلۀ بهتر خونه بخرند و باید کار کنه چون درآمد پدر جوابگو نیست همینم باعث میشه درس نخونه و چون همه همسایه ها تو یه سطح هستند از همدیگه تاثیر میگیرند» (میلاد، ۲۸ساله).

«مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای، وضعیت امروز است که نشون میده وضعیت چطور است وقتی من میبینم که فلانی ازدواج کرد و طلاق گرفت و چی سرش اومد یا اینکه فلانی وقتی وارد زندگی شده کلا شخصیتش عوض شده و باعث هزار دغدغه و اضطراب شده، منم به‌عنوان یک جوان که آمادگی ازدواج دارم، میترسم و اعتمادم نسبت به بقیه از بین میره و دیگه نمیتونم اونجوری که باید بشه ادامه بدم و تصمیم می‌گیرم فقط به فکر خودم باشم و همه چیز رو برای خودم بخوام و خودم تنهایی لذت ببرم» (حسین، ۳۱ساله).

شرایط مداخله‌گر

شرایط ساختاری که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنش/کنش متقابل، اثر می‌گذارند و راهبردهایی را درون زمینه‌ای خاص سهولت می‌بخشند یا آنها را محمدود می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵۵). در این پژوهش، مقوله‌های آداب و رسوم، کمک‌کار خانواده بودن، سخت-گیری خانواده، شیوۀ ارتباط با دیگران، عدم آمادگی و عدم اعتماد به دیگران، شرایط مداخله‌گر پژوهش را تشکیل داده‌اند.

«من همیشه با خانوادم صحبت کردم و اونا منو می‌شناسند که دوست دارم آزاد باشم، ولی سنت‌هایی که در جوامع حاکمه و قوانینی که هست یک‌جور بی‌عدالتی بین پسر و دختر وجود داره که دختران نمیتونن ابراز وجود کنند و نقشی در جامعه داشته باشند، مگر در شرایط خاص و محدود. من همیشه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

عامل اصلی بدبختی جوونا رو نظام و قوانین و سنتی می‌دونم که در جامعه حاکمه. و به نظر من این شرایط نباید دختران رو محدود کنه و همیشه خودشون باشند» (محدثه، ۲۶ساله).

«*نمیخوام سیاسی صحبت کنم ولی واقعیت داره نظام دینی که داریم مثل چاقوی تیزی عمل میکنه که از یه طرف باعث آرامش جامعه و نظم میشه ولی از طرف دیگه افراد رو محدود میکنه. مذهبی بودن در این زمانه و تحمیل مذهب برای دیگران یک کار اشتباه با پیامدهای خطرناک است به نظر من همین فتواهای مذهبی و سیاست‌ها و قوانین قدیمی و به‌روز نشده در انتخاب افراد برای ازدواج تاثیر دارند*» (هدی، ۲۹ساله).

«*برای شروع یک زندگی مستقل، مهم‌ترین تصمیم و آخرین تصمیم رو باید خود شخص بگیره که برای من دخالت‌های خانواده این حق رو از من گرفت. البته نه اینکه همهٔ این سال‌ها که مجرد ماندم دلیلش خانوادم باشه ولی حرف‌هایی که می‌زنند و منطقی که در زندگی ما حاکم بود باعث شد منم تحت تأثیر قرار بگیرم ولی کم کم با ورود به جامعه و درس و دانشگاه و کار الان دیدگاه تازه‌تری پیدا کردم*» (اکبر، ۳۰ساله).

استراتژی‌ها و راهبردها

راهبردهای ایجاد شده برای کنترل، اداره و برخورد با پدیده‌ای، تحت شرایط مشاهده شدهٔ خاصی انجام می‌شوند. مقوله‌های فعالیت‌های سرگرم‌کننده، لذت بردن از زندگی و ارتباط‌گیری با جنس مخالف، به‌عنوان راهبردها و استراتژی‌ها شناسایی شده‌اند.

«*فعالیت‌های اجتماعی انجام میدم، فعالیت‌های ورزشی و هنری، کلاس‌های گوناگون و مهارت‌ها که هر کدام میتونه ادمو ماه‌ها و چه بسا سال‌ها مشغول کنه. منم همین تصمیم رو گرفتم و تفریحات و اوقات فراغت خودمو هم دارم و نیازهای عاطفی خودمو هم تا حد ممکن و نه اینکه وابسته بشم از راه ارتباط دوستانه برآورد می‌کنم*» (سارا، ۲۷ساله).

«*در این مدتی که مجرد ماندم* همان‌طوری که گفتم خودم رو از *جهات گوناگون اقتصادی، روحی، روانی و آگاهی تأمین کنم و این کار رو با درس خوندن و شرکت در گروه‌های اجتماعی و فعالیت-های دیگر انجام دادم و در این بین هم کمک‌هایی رو به خانواده کردم که نقش مفیدی در خانواده داشته باشم*» (مجتبی، ۳۰ساله).

«*در این مدت پیشنهادهای دوستی هم داشتم که سعی کردم خودمو غرق این مسائل نکنم ولی بیکاری و فشارهایی که داشتم باعث شد رابطه‌های مجازی رو تجربه کنم*» (ستاره، ۳۰ساله).

پیامدها

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

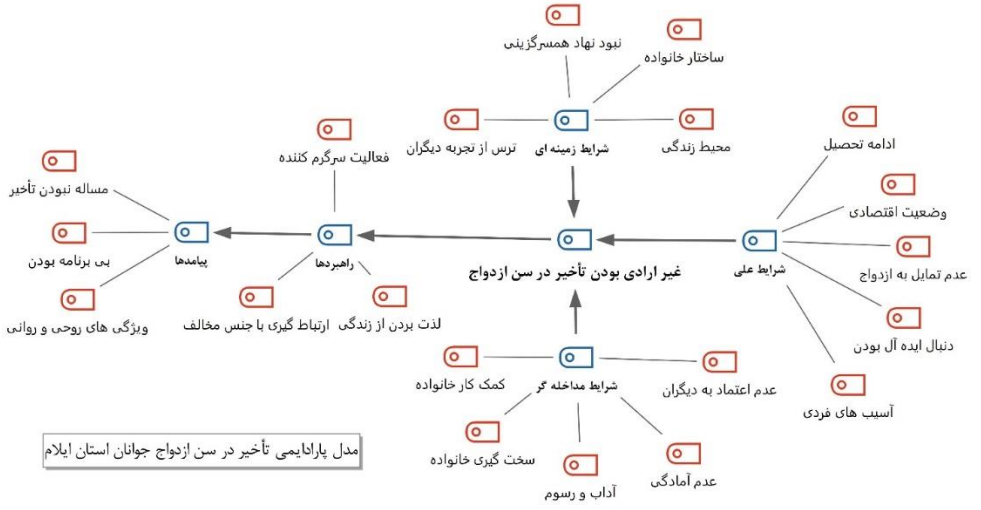
هرجا انجام یا عدم انجام عمل معینی در پاسخ به امر یا مسأله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (اشتروس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۵٦). در این مطالعه، مقوله‌های ویژگی‌های روحی و روانی نامناسب، بی‌برنامه بودن و مسأله نبودن تأخیر در سن ازدواج، به‌عنوان پیامدهای تأخیر در سن ازدواج شناسایی شده‌اند.

«*تأخیر در ازدواج، وضعیتی بوجود آورده است که باعث شده ازدواج رو آسان‌تر بگیرم*» (مریم، ۳۰ساله).

«*شاید بیخیال شدن و یجوری فکر نکردن به ازدواج و رسیدن به تجرد قطعی میتونه پیامد تصمیم من باشه که چه بسا تا الان هم همبنطور بوده و احتمال اینکه از این به بعد هم همینجوری باشه هست*» (پوریا، ۲۹ساله).

«*در کل پیامدهای تأخیر در سن ازدواج من با توجه به تجربیاتی که کسب کردم خوب بوده است*» (نورا، ۲۸ساله).

«پیامدهای *مثبتی از جمله آموزش فرصت برای یادگیری و همچنین آگاهی یافتن در مورد ازدواج، بهترین نتیجه این تأخیر هستش و در آخر باید بگم برای من این تأخیر و یا برای کسانی که شبیه من هستند، این تأخیر یک فرصت برای بهتر شدن و یک همسر خوب بودن برای آینده فرزندانم است*» (مجتبی، ۳۰ساله).



نمودار شمارۀ دو- مدل پارادایمی تأخیر در سن ازدواج

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

بحث و نتیجه‌گیری

ازدواج واقعیتی زیستی، اجتماعی و فرهنگی است که به دلیل نقش اساسی آن در تشکیل خانواده از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به طوری‌که دوام گروه و زندگانی کمی و کیفی نسل‌های پی در پی، به ازدواج بستگی دارد. ازدواج یکی از نهادهای اجتماعی است که برای انجام وظایف خانواده، به‌وجود آمده است. ازدواج مانند دیگر پدیده‌های اجتماعی هنجارهایی دارد که این هنجارها در هر جامعه و نیز هر مقطع زمانی متفاوت است. موضوع ازدواج در حال حاضر در کشور ما ایران دارای ویژگی‌های خاص خود است. کشور ایران همانند سایر کشورهای جهان سوم، در مرحلهٔ گذار از سنتی به مدرن است که با تغییرات اجتماعی وسیعی در همهٔ پدیده‌های اجتماعی از جمله ازدواج و انتخاب همسر مواجه است. تغییراتی که موجب شده است تا مردان و زنان نگرش مدرنی از پیوند زناشویی و ازدواج داشته باشند و ازدواج را فقط به‌عنوان یک رابطهٔ جنسی و به‌دنیا آوردن فرزند ندانند، بلکه ازدواج را برای به‌وجود آوردن یک زندگی کمال‌گرا، توأم با عشق و همدلی و همدمی می‌دانند. دنیای مدرن، باعث افزایش سطح آگاهی اجتماعی، سواد عمومی و بالا رفتن سطح تحصیلات شده است و متقابلا سطح توقعات و انتظارات مردان و زنان به مراتب بیشتر از گذشته شده است.

بر اساس داده‌ها و نتایج سازمان ثبت احوال استان ایلام و مرکز آمار ایران، روند تحولات شاخص‌های ازدواج، به‌گونه‌ای است که نرخ ازدواج با کاهش و میانگین سن ازدواج با افزایش روبه‌رو بوده است. بررسی ابعاد مسألهٔ ازدواج و الگوهای همسرگزینی نشان از کلیدی بودن متغیر سن ازدواج در این الگوهاست و افزایش سن ازدواج، الگوهای آن را دچار تحول کرده است و شاخص‌های دیگر ازجمله فرزندآوری، طول عمر ازدواج، استحکام خانواده، ضرورت ازدواج و ... را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وضعیت ساختاری و کارکردی خانواده در ایران، در حال تغییر است. از جمله تغییرات مهم، افزایش سن ازدواج جوانان است. مطالعهٔ این تغییر، به‌عنوان شاخصی برای به تعویق افتادن تشکیل خانواده از اهمیت بسیاری برخوردار است. در پژوهش حاضر، برای تبیین دلایل تأخیر سن ازدواج جوانان، از تجربهٔ جوانان ازدواج نکرده استفاده شده است.

دلایل بیان‌شده توسط مشارکت‌کنندگان در این مطالعه را می‌توان در سطح خرد و کلان، مورد بررسی قرار داد. نتیجهٔ این تحقیق نشان داد که یکی از دلایل اقتصادی ازدواج دیرهنگام، گرانی ازدواج، هزینهٔ بالای زندگی و بیکاری بوده است. علاوه بر این، می‌توان به هزینه‌های پس از ازدواج مانند اجارهٔ مسکن اشاره کرد. بر این اساس، جوانان توانمندسازی اقتصادی را بر انتخاب همسر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

ترجیح می‌دهند. زنانی که از لحاظ اقتصادی توانمند هستند، تمایلی به ازدواج با مردانی دارند که سهم برابر یا بالاتری در منابع اقتصادی خانواده داشته باشند. از نظر بکر (۱۹۹۳)، ازدواج، مظهر یک رفتار است و مزیت ازدواج‌کردن، بیش از مجرد ماندن است. به اعتقاد وی، چون زنان و مردان از نظر اقتصادی–اجتماعی، حقوق یکسانی را تقریباً دریافت می‌دارند، بنابراین انگیزۀ ازدواج زنان کمتر می‌شود. بر اساس نتایج این مطالعه، توجه به وضعیت اقتصادی هم برای شاغلین، بیکاران، پسران و دختران دارای اهمیت است چرا که تأمین نیازهای خانواده برای جوانان بسیار دشوار شده است. به نظر می‌رسد با توجه به مسؤولیت پسران در تأمین نیازهای خانواده، اهمیت این موضوع برای پسران بیش از دختران باشد. توجه به این مقوله در مطالعه حبیب‌پور گتابی و غفاری (۱۳۹۰)، رضا دوست و ممبنی (۱۳۹۰)، محمد و آکل (۲۰۱۹) مورد تأکید بوده است.

در یکی از تبیین‌های جامعه‌شناختی توسط اپنهایمر[20](۱۹۸۸) در خصوص تأخیر در سن ازدواج از مفهوم نااطمینانی استفاده شده است. نااطمینانی به وضعیتی اطلاق می‌شود که فرد از تحقق ملاک-هایی که برای شروع و ادامۀ زندگی در نظر دارد، مطمئن نیست (رحمانی‌پور، ۱٤۰۱). به‌نظر می‌رسد نااطمینانی موجب به تعویق افتادن ازدواج می‌گردد. در مطالعۀ حاضر، توجه به مقولۀ ملاک‌های انتخاب در تأخیر سن ازدواج، دارای اهمیت است. از نگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، تأخیر در سن ازدواج، می‌تواند به دلیل نرسیدن به ملاک‌های مورد انتظار در انتخاب همسر باشد.

وضعیت و شرایط خانواده، به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر در تأخیر در سن ازدواج جوانان، مورد توجه مشارکت‌کنندگان بوده است. کمک‌کار خانواده بودن، سخت‌گیری خانواده و ساختار خانواده، به‌عنوان مواردی مطرح شده است که زمینۀ تأخیر در سن ازدواج را فراهم می‌کند. خانواده می‌تواند حمایت‌کننده و تسهیل‌گر ازدواج جوانان باشد، اما از نگاه مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، دخالت‌های زیاد خانواده، سخت‌گیری و توجه بیش از اندازه به ایده‌آل‌ها در انتخاب، مانعی برای ازدواج و افزایش سن ازدواج محسوب می‌شود. در مطالعه محمدپور و تقوی (۱۳۹۲) متغیرهایی چون سخت‌گیری و انتظارات بالای خانواده‌ها، با بالا رفتن سن ازدواج ارتباط معنی‌داری وجود دارد.

تأخیر در سن ازدواج برای برخی از جوانان، به مثابۀ فرصت‌سازی است که با مطالعۀ محبی و همکاران (۱۳۹۵) هم‌خوانی دارد. از نظر برخی از مشارکت‌کنندگان، تأخیر در سن ازدواج، مسأله نیست و در ارزیابی موضوع به جنبه‌های مثبت و منفی پدیده توجه کرده‌اند و به مزایای این تأخیر

[20] - Oppenheimer

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

از جمله رسیدن به استقلال مالی و نقش آفرینی در جامعه و استفادهٔ مفید از دوران مجردی اشاره داشته‌اند و این تأخیر را فرصتی برای آگاهی بیشتر، می‌دانند.

تمایل به ازدواج نیز می‌تواند به‌عنوان دلیلی برای تأخیر در سن ازدواج، مهم باشد. تمایل بر اساس پیامدهای مثبت و منفی حاصل از ازدواج، قابل بررسی است. در صورت وجود رابطهٔ عاطفی و عاشقانه، شرایط اقتصادی مطلوب و حمایت مناسب خانواده، زمینه برای تمایل به ازدواج بیشتر است و در نبود موارد مطرح شده، عدم تمایل، تقویت می‌گردد.

آنچه در خصوص عوامل و دلایل تأخیر در سن ازدواج جوانان باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به ساختارهای اجتماعی-اقتصادی و نگرش جوانان است. به نظر می‌رسد تغییرات در ساختارهای جامعهٔ ایرانی، زمینه را برای تغییر در نظام ارزشی و نگرش‌های جوانان نسبت به مقولهٔ ازدواج فراهم کرده است. مدرنیته، تغییرات در ساختار و نوع خانواده و روند تغییر در میزان‌های اشتغال و بیکاری، بر روی نظام ارزشی جوانان و تمایل به تأخیر در سن ازدواج تأثیرگذار بوده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

منابع

۱. اشتراوس، آنسلم و جولیت ام. کوربین (۱۳۹۰) **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**، ترجمۀ ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

۲. انتظاری، اردشیر؛ غیاثوند، احمد و فاطمه عباسی (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر افزایش سن ازدواج جوانان در شهر تهران»، **فصل‌نامۀ برنامه‌ریزی رفاه و توسعۀ اجتماعی**، دورۀ۱۰، شمارۀ ۳٤: ۲۰۱-۲٦۹.

۳. اینگلهارت، رونالد (۱۳۸۲) **تحول فرهنگی در جامعۀ پیشرفتۀ صنعتی**، ترجمۀ مریم وتر، تهران: کویر.

٤. آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی (۱۳۸٦) "تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان"، **نامۀ علوم اجتماعی**، شمارۀ ۳۰: ۹۷-۱۲۲.

۵. بازرگان، عباس؛ سرمد، زهره و الهه حجازی (۱۳۹۰) **روش‌های تحقیق در علوم رفتاری**، تهران: آگه.

٦. باقری، شهلا؛ مداحی، جواد و طاهره لطفی خاکچی (۱۳۹۸) "برساخت معنایی تأخیر سن ازدواج بر اساس نظریۀ زمینه‌ای (مطالعۀ موردی: دانشجویان دختر شهر مشهد"، **زن در توسعه و سیاست**، دورۀ ۱۷، شمارۀ ۱: ٤۳-۹٦.

۷. باومن، زیگمونت (۱۳۸٤) **عشق سیال؛ در باب ناپایداری پیوندهای انسانی**، ترجمۀ عرفان ثابتی، تهران، ققنوس.

۸. بگی، میلاد (۱٤۰۲) «دلایل و تعیین‌کننده‌های تأخیر در سن ازدواج در ایران»، **جامعه-شناسی کاربردی**، دورۀ۳٤، شمارۀ۱: ۳۱-۵۰.

۹. بوودن، ریمون (۱۳۷۳) **روش‌های جامعه‌شناسی**، ترجمۀ عبدالحسین نیک گهر، تهران: علمی فرهنگی.

۱۰. التجائی، ابراهیم و مینا عزیززاده (۱۳۹۵) «بررسی عوامل اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر سن ازدواج در ایران: یک مطالعۀ میان استانی»، **جامعه‌پژوهی فرهنگی**، دورۀ ۷، شمارۀ ۳: ۱-۱۸.

۱۱. ترابی، فاطمه و زهرا شمس قهفرخی (۱٤۰۰) «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج در ایران و جهان»، **نامۀ انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دورۀ ۱٦، شمارۀ۳۲: ۱٤۱-۱۷۵.

۱۲. تنهایی، حجت الله (۱۳۸۲) **جامعه‌شناسی نظری**، تهران: بهمن برنا.

۱۳. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۸۷) «رویکرد جامعه‌شناسانۀ نظریه انتخاب عقلانی»، **راهبرد فرهنگ**، دورۀ ۱، شمارۀ۳: ۳۳-٦٤.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

۱٤. حبیب‌پور گتابی، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰) «علل افزایش سن ازدواج دختران»، **پژوهش زنان**، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱: ۷-۳٤.

۱۵. حسن‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۹۰) «بررسی علل تأخیر در سن ازدواج پسران جوان در استان کردستان»، **فصل‌نامهٔ دانش انتظامی کردستان**، دورهٔ ۲، شمارهٔ ٦: ۲-۲۸.

۱٦. حسینی، حاتم؛ صادقی، رسول و اردشیر رضایی (۱۳۹۸) «عوامل مؤثر بر تأخیر ازدواج دختران در شهرستان‌های ایران» ، **توسعهٔ محلی(روستایی-شهری)**، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۱: ۱٤۷-۱۷۲.

۱۷. خجسته‌مهر، رضا؛ محمدی، علی و ذبیح‌الله عباسپور (۱۳۹۵) «نگرش دانشجویان متأهل به ازدواج: یک مطالعهٔ کیفی»، **روان‌پرستاری**، دورهٔ ٤، شمارهٔ ۲: ۱۹-۲۸.

۱۸. خلیلی، مهدی (۱٤۰۰) "«تحلیل نسلی-مقطعی تغییرات ازدواج زنان ایران با استفاده از جداول عمر زناشویی»، **نامهٔ انجمن جمعیت‌شناسی ایران**، دورهٔ ۱٦، شمارهٔ ۳۱: ۳۱-۷.

۱۹. دلخموش، محمدتقی (۱۳۹۲) «بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی»، **روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی**، دورهٔ ۹، شمارهٔ ۳٦: ۳۳۱-۳۵۰.

۲۰. رحمانی پور، ریحانه (۱٤۰۱) **عوامل تأثیرگذار بر افزایش سن ازدواج جوانان**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

۲۱. رضادوست، کریم و ایمان ممبنی (۱۳۹۰) «بررسی رابطهٔ بین تأخیر سن ازدواج و متغیرهای میزان درآمد، میزان تحصیلات و تعدادی دیگر از متغیرها در زنان شاغل»، **دوفصل‌نامهٔ مشاورهٔ کاربردی**، دورهٔ ۱، شمارهٔ ۱: ۱۰۵-۱۲۲.

۲۲. زارعان، منصوره (۱۳۹۷) «بررسی اکتشافی دلایل تأخیر در سن ازدواج از دیدگاه دختران دانشجوی شهر تهران» ، **مطالعات زنان و خانواده**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۲: ۸۹-۱۱۰.

۲۳. سفیری، خدیجه (۱۳۸٦) «زنان و تحصیلات دانشگاهی»، **مجلهٔ دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، دورهٔ ۱۵، شمارهٔ ۵٦-۵۷: ۱۰۱-۱۲۷.

۲٤. صدیق اورعی، غلامرضا (۱۳۷۸) **جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی جوانان**، مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.

۲۵. عسکری ندوشن، عباس؛ فتوحی تفتی، فاطمه و ملیحه علی مندگاری (۱۳۹۷) «تفاوت‌های اقتصادی- اجتماعی مرتبط با سن ازدواج زنان در ایران: (مطالعهٔ تطبیقی دختران جوان در آستانهٔ ازدواج و زنان همسردار ٤۹-۱۵ ساله)»، **مطالعات راهبردی زنان**، دورهٔ ۲۰، شمارهٔ ۷۹: ۱۷۱-۲۱۰.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

۲۶. فعله‌گری، زینب؛ پروین، ستار و مهربان پارسامهر (۱۳۹۷) «واکاوی دلایل تأخیر ازدواج دختران:یک پژوهش کیفی»، **مطالعات جنسیت و خانواده**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۱: ۱۲۷-۱۵۹.

۲۷. فولادی، محمد (۱۳۹۳) «تحلیل جامعه‌شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، دورهٔ ۵، شمارهٔ ٤: ۷۷-۱۰٤.

۲۸. کلمن، جیمز (۱۳۷۷) **بنیان‌های نظریهٔ اجتماعی**، ترجمهٔ منوچهر صبوری، تهران: نی.

۲۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸) **پیامدهای مدرنیته**، ترجمهٔ محسن ثلاثی، تهران: مرکز.

۳۰. مجدالدین، اکبر (۱۳۸٦) «بررسی دلایل و آثار افزایش سن ازدواج دختران روستایی در آشتیان»، **پژوهش‌نامهٔ علوم انسانی**، شمارهٔ ۵۲: ۱۳۹-۱۵۰.

۳۱. محبی، سیده فاطمه؛ سیاح، مونس و شیماسادات حسینی (۱۳۹۵) «دلالت‌های معنایی تأخیر در ازدواج دختران دانشجو»، **فصل‌نامهٔ فرهنگ در دانشگاه اسلامی**، دورهٔ ٦، شمارهٔ ۱۹: ۲۵۱-۲۷٤.

۳۲. محمدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق کیفی ضد روش**، جلد ۱، تهران: جامعه‌شناسان.

۳۳. محمدپور، احمد (۱۳۹۲) **روش تحقیق کیفی ضد روش**، جلد ۲، تهران: جامعه‌شناسان.

۳٤. محمدپور، علی و نعمت‌الله تقوی (۱۳۹۲) «عوامل اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج جوانان»، **مطالعات جامعه‌شناسی**، دورهٔ ۵، شمارهٔ ۲۰: ۳۹-۵۳.

۳۵. محمدی سیف، معصومه و محمد عارف (۱۳۹٤) «آسیب‌شناسی تأخیر در سن ازدواج جوانان ایرانی»، **مهندسی فرهنگی**، دورهٔ ۱۰، شمارهٔ ۸٦: ۷٤-۸۹.

۳٦. محمدی، بیوک (۱۳۸۷) **درآمدی بر روش تحقیق کیفی**، تهران: پژوهشکدهٔ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۷. محمودیان، حسین (۱۳۸۳) «سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان»، **نامهٔ علوم اجتماعی**، دورهٔ ۲٤، شمارهٔ ۲٤: ۲۷-۵۳.

38. Becker, G.S. (1993) **A Treatise on the Family**.2nd. Cambridge, MA: Harvard University Press.

39. Charmaz, K. (2006) **Constructing Grounded theory: A Practical Guide Through Qualitative Analysis**. Wiltshire: Sage Publication.

40. Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2011) **The SAGE Handbook of Qualitative Research**. Thousand Oaks, CA: Sage.

41. Fergguson, S. (2000) «Challenging Traditional Marriage: Never Married Chinese American and Japanese American Women», **Gender &**

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]

society, volume 14, issue 1. https://doi.org/10.1177/089124300014001008

42. Hewitt, B. & J. Baxter (2009) »Who Gets Married in Australia? The economic and social determinants of a transition into first marriage 2001-2006», The Australian Sociological Association Annual Conference, Canberra ACT Australia: The Australian Sociological Association. Http://iussp 2009. Princeton. Edu/papers/93360.

43. Maharaj, P., & Shangase, T. (2020) «Reasons for Delaying Marriage: Attitudes of Young, Educated Women in South Africa». **Journal of Comparative Family Studies**, 51: 3-17. https://doi.org/10.3138/jcfs.51.1.002

44. McDonald, P. (2006) «Low fertility and the state: The efficacy of policy», **Population and development review**, 32(3): 485-510.

45. Mensch, B. S., Singh, S., & Casterline, J. B. (2005) «Trends in the timing of first marriage among men and women in the developing world». **The changing transitions to adulthood in developing countries: Selected studies:** 118-71.

46. Mohammad , O., & Akel , M. (2019) «Factors affecting the delay of the age of marriage from the point of view of university youth». **Tishreen University Journal- Arts and Humanities Sciences Series**, *41*(3):169-186. Retrieved from http://journal.tishreen.edu.sy/index.php/humlitr/article/view/8730.

47. Oppenheimer, V.K. (1988) **A theory of marriage timing American Journal of Sociology**, 94, 563-591. http://dx.doi.org/10.1086/229030.

48. Sharp, E., & Ganong, L. (2011) «I'm a loser, i'm not married, let's just all look at me": ever-single women's perceptions of their social environment», **Journal of Family Issues**, vol. 32 no. 7 online.

49. Song lee, bun & kelinT Jennifer & woher, mark & Kim, sangsin. (2020) «Factors delaying marriage in Korea: an analysis of the Korean population census data for 1990–2010», **Asian Population Studies**, volume 17: 71-93.

50. Tyagi, N., Kumar, M. A., Ahutosh, K., Tyagi, Y., and ShyamJha, R. (2022) «Changing structure of marriage and fertility in 21st century (with reference to indian society)», **Journal of Positive School Psychology**, 6(3): 9142-9152.

51. Wang, Haiping, & Abbott, A. Douglas, (2013) «Waiting for Mr. Right: The Meaning of Being a Single Educated Chinese Female Over 30 in Beijing and Guangzhou», **Women's Studies International Forum**, Volume 40: 222-229.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-21]